

## تبیین جایگاه حقوق بشر و آموزش صلح در برابر تروریسم

شاهین مظاهری جبلی، یکتا بهنام رودسری<sup>۲</sup>

### چکیده

با گذشت قریب به ۴۰ سال از پایه‌گذاری روز جهانی صلح همچنان شاهد به وجود آمدن عوامل ناقض صلح در مقیاس جهانی هستیم. زمانی بحث بر «صلح منفی» بود، اما امروزه صلح مثبت یا ایجابی بیشتر مدنظر است و صلح صرفاً به معنای نبود جنگ نیست. بحث «دیدن» یا به حساب آوردن موجودیت‌ها یا افراد، بسیار مهم است. زمانی که برخی از افراد یا موجودیت‌ها احساس می‌کنند که دیده نمی‌شوند، تلاش می‌کنند تا خود را نشان دهند ولو با اقدام‌های خشونت‌آمیز یا تروریستی. بنابراین، بخش عمده‌ای از تقصیرات متوجه جامعه (اعم از ملی یا بین‌المللی) می‌شود. هدف از پژوهش حاضر تبیین جایگاه حقوق بشر و آموزش صلح در برابر تروریسم می‌باشد و از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی به همراه استدلال قیاسی و استقرائی جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات استفاده شده است. آنچه بعنوان یافته و نوآوری می‌توان به آن اشاره داشت این است که امروزه تنها جنگ، دشمن صلح نیست؛ بلکه بیسوادی، بی‌احترامی به عقاید یکدیگر، نادیده گرفتن افراد یا موجودیت‌های دیگر که خود عامل سرخوردگی افراد در جامعه و در نتیجه منجر به پیوستن آنها به گروه‌های تروریستی می‌شود، نقض حقوق بشر، بی‌عدالتی و غیره تهدیدات صلح به حساب می‌آیند. سوال اصلی قابل طرح این است که چه جایگاهی را می‌توان برای آموزش در جهت مقابله با تروریسم جهانی در نظر گرفت.

واژگان کلیدی: آموزش، صلح، تروریسم، خصومت، حقوق بشر

<sup>۱</sup> کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبایی

<sup>۲</sup> کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ورامین yekibehnam@gmail.com

## مقدمه

برای بررسی ابعاد حقوق بشری آموزش صلح برای مقابله با تروریسم، دو دوره عمده را می‌توان برای ظهور تروریسم تبیین کرد: ابتدا پس از حوادث ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ و دوم پس از ظهور داعش. تروریسم با توجه به ماهیت خود همواره موجب نقض صلح و حقوق بنیادین بشر می‌شود، به همین دلیل حدود ۴۰ سال از پایه‌گذاری روز جهانی صلح می‌گذرد و همچنان شاهد به وجود آمدن عوامل ناقض صلح در مقیاس جهانی هستیم. برقراری «صلح» آن هم در نظام کنونی بین‌الملل که هر روز شاهد منازعات و مخاصمات مختلف در گوشه و کنار دنیا است، تا حد زیادی یک خواسته بزرگ و شاید غیرقابل معقول است، مسئله مهم که باید به آن توجه داشت این است که در گوشه‌ای از جهان مانند: میانمار، عراق، سوریه، افغانستان همچنان شاهد نقض حقوق و کرامت انسانی هستیم و در نتیجه آن، نقض صلح و ثبات به تصویر کشیده می‌شود و در نقطه‌ای دیگر حرف از حقوق بشر به میان می‌آید، و این خود نشان می‌دهد که با گذشت قریب به ۴۰ سال از پایه‌گذاری روز جهانی صلح، همچنان تعارض در برقراری صلح در مقیاس جهانی وجود دارد. هدف از پژوهش حاضر تبیین جایگاه حقوق بشری آموزش صلح در برابر تروریسم می‌باشد و سوال اصلی قابل طرح این است که چه جایگاهی را می‌توان برای آموزش صلح بعنوان یکی از ابعاد حقوق بشری در جهت مقابله با تروریسم در نظر گرفت؟ امروزه، تنها جنگ دشمن صلح نیست؛ بلکه بیسوادی، بی‌احترامی به عقاید یکدیگر، نادیده گرفتن افراد یا موجودیت‌های دیگر که خود عامل سرخوردگی افراد در جامعه و در نتیجه منجر به پیوستن آنها به گروه‌های تروریستی می‌شود، نقض حقوق بشر، بی‌عدالتی و غیره تهدیدات صلح به حساب می‌آیند. زمانی بحث بر «صلح منفی» بود؛ اما امروزه صلح مثبت یا ایجابی بیشتر مدنظر است و صلح صرفاً به معنای نبود جنگ نیست. بحث «دیدن» یا به حساب آوردن موجودیت‌ها یا افراد بسیار مهم است. زمانی که برخی از افراد یا موجودیت‌ها احساس می‌کنند که دیده نمی‌شوند، تلاش می‌کنند تا خود را نشان دهند ولو با اقدام‌های خشونت‌آمیز یا تروریستی. بنابراین، بخش عمده‌ای از تقصیرات متوجه جامعه (اعم از ملی یا بین‌المللی) می‌شود. همچنین باید توجه داشت انکار یا ندیدن بسیار خطرناک است، این انکار است که «تروریسم» را به وجود می‌آورد. جای پای دفاع تا حمله از طریق بکارگیری روش‌های خشونت‌آمیز، آن چیزی است که برای نامیدن تروریسم بکار می‌بریم. در واقع می‌توان بیان داشت، تروریسم برای کسب قدرت و کنترل جزئی یا جهانی، ترس و وحشت و اضطراب انسان را دستکاری می‌کند. بنابراین آنچه بعنوان فرضیه مطرح می‌شود آن است که آنچه که می‌تواند ما را به صلح برساند ترویج انقلاب آموزشی، آموزش جهانی و آموزش صلح روانی و احترام به همدیگر، حاکمیت قانون و رعایت حقوق بشر است و جایگاه تعهدات همکاری

<sup>۱</sup> صلح منفی: اگر جنگ وجود نداشت صلح برقرار می‌شد.

در امور آموزشی، بسیار بیشتر از موارد دیگر است. در مورد پیشینه‌های پژوهش می‌توان ابتدا به مقاله "تاثیر برنامه آموزش صلح در تربیت شهروند جهانی" از اسماعیل کاظم‌پور و علی خلخالی، مقاله "آموزش صلح: راهی به سوی توسعه فرهنگ صلح" از محمد شعبانی و عبدالمحمد طاهری، اشاره کرد که در مقالات فوق صرفاً محوریت آموزش صلح را مورد بررسی قرار داده است و از نقش آموزش بر رعایت حقوق بشر و مقابله با تروریسم سخن به میان نیاورده‌اند. در پژوهش فوق تلاش شده است جایگاه حقوق بشری آموزش صلح را در مقابله با تروریسم تبیین کنیم و از این حیث می‌توان بیان داشت که محوریت موضوع مقاله حاضر بدیع است.

### ۱- مفهوم آموزش و صلح

تحقق صلح در جوامع حاضر بدون ترویج و نهادینه کردن آن ناممکن است و نهادینه کردن صلح آموزش مداوم و بی‌وقفه می‌طلبد. از این رو سازمان‌های بین‌المللی مانند یونیسف و یونسکو این امر را سرلوحه کار خود قرار داده‌اند اما دلایلی وجود دارد که نشان می‌دهد آموزش صلح در این نهادهای سنتی عقیم و ناکارآمد است و تا زمانی که روش‌های جدید جایگزین نشوند همانطور ناکارآمد باقی خواهد ماند. آموزش باید عمیق باشد و آموزش ارزش‌ها جزء با تمرین و تجسم آنها و زندگی کردن با آنها میسر نمی‌شود. این کار تمرینی عملی و واقعی است که می‌تواند به فرایند درک و فهم امور عمق ببخشد. اولین هدف باید اصلاح وضع تفکر ۳۱ و وارد کردن عنصر اندیشه به نظام آموزشی باشد و مرحله بعد تربیت انسان‌هایی معقول، خودمنتقد و حساس در برابر محیط مدنظر است این آموزش‌ها از دوران کودکی موردنیاز است بطوریکه کودکان از همان ابتدا قادر باشند تا حد امکان خودشان برای خودشان فکر کنند و تصمیم بگیرند. تقویت تفکر انتقادی، تفکر خلاق و تفکر مراقبتی یا مسئولانه از ابتدای دوران کودکی باید مورد توجه قرار گیرد.

کودکان و نوجوانان باید فرصتی داشته باشند تا در پی دانستن مفاهیم مهم مربوط به زندگی شیوه تفکر خود را بهبود بخشند، از آراء دیگران استفاده نمایند و از سنت‌ها عبرت بگیرند تا از این طریق خودشان و دیگران را بهتر درک کنند.

باتوجه به وضعیت جامعه معاصر و سلطه بیش از حد رسانه‌های جمعی بر افکار عمومی باید بر تقویت قدرت قضاوت و استدلال کودکان تاکید کرد. زیرا متأسفانه کودکان امروزه در معرض برنامه‌ها و تصاویری هستند که به نوعی خشونت را رواج می‌دهد بنابراین باید کودکان را ترغیب کرد تا شناسایی جنبه‌های اخلاقی درست را تقویت کنند که این مهم از طریق آموزش آنها بدست می‌آید (UNESCO, 2017).

صلح مفهوم گسترده‌ای دارد و علاوه بر نبود خشونت، عدالت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را در بر می‌گیرد. صلح مثبت بر چهارچوب مشترکی از ارزش‌های جهانی استوار است از جمله: احترام به شأن و منزلت و حقوق

انسانی، عدالت، عدم خشونت و ... چنین مفهوم مثبتی از صلح باید در همه سطوح فردی، بین فردی، بین گروهی و بین‌المللی ایجاد شود. از آنجا که جنگ‌ها در ذهن انسان‌ها آغاز می‌شوند دفاع از صلح نیز باید در ذهن آنها ساخته شود. برای گسترش فرهنگ صلح می‌بایست تلاشی جهانی برای تغییر شیوه تفکر و رفتار مردم به سمت فرهنگی صلح‌آمیز صورت گیرد.

پرورش و تقویت دانش، مهارت‌ها، نگرش‌ها و ارزش‌هایی که باعث تغییر رفتار می‌شود و کودکان، جوانان و افراد بالغ را قادر می‌سازد تا از کشمکش، هم از نوع آشکار و هم از نوع ساختاری ممانعت کنند تضادها را صلح‌آمیز حل کنند و شرایطی را خلق کنند که موجبات صلح را فراهم آورد. امروزه کاملاً روشن شده است که فلسفه‌ورزی با کاهش خشونت رابطه‌ای تنگاتنگی دارد. از طریق تفکر و گفتگو می‌توان از عهده مسئله خشونت برآمد و باید خاطرنشان کرد که بخش درخور توجهی از رفتار خشونت‌آمیز به ناتوانایی فرد در تجزیه و تحلیل عقلانی مسائل و مشکلات مربوط می‌شود. شایان ذکر است که با تقویت مهارت‌های فکری و رفتاری و کمک به بازسازی ایده صلح و دوستی در ذهن بشریت می‌توان گفتگو را به جای تنازع و صلح را به جای جنگ بنشانند. ایجاد فرهنگ صلح، افزایش مهارت‌های استدلالی، تقویت تفکر خلاق و رشد قوه قضاوت و داوری صحیح موجب گسترش صلح و کاهش خشونت در دنیا می‌شود (ناجی و خطیبی مقدم، ۱۳۸۹).

## ۲- نقش آموزش در ایجاد صلح

### ۲-۱- تأثیرات نظری بر مفهوم ساختن صلح

امروزه جهانی شدن با شتاب روزافزون در حال عبور از مرزهای سیاسی و جغرافیایی و محدوده‌های فرهنگی کشورها می‌باشد. برخی از رخدادها بین‌المللی علاوه بر دولت‌ها افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. جنگ‌های بسیاری در جهان رخ داده است که مهمترین آنها جنگ ویتنام بوده است که مشکلات بسیاری را برای جوامع در پی داشت. این جنگ‌ها به وضوح متاثر از عدم آموزش و مدیریت صحیح، بی‌عدالتی، نابرابری، خشونت و نفرت بوده است. پس از جنگ‌ها و درگیری‌های بسیار سازمان ملل متحد بعنوان راهکاری پیشگیرانه به دنبال ایجاد فرهنگ صلح و عدم خشونت میان جوامع بود. از آنجا که ایجاد صلح نیازمند به فراهم آوردن بسترهای مناسب می‌باشد بنابراین بهترین و موثرترین بستر لازم سیستم آموزش و پرورش در نظر گرفته شد زیرا مناسب‌ترین روش برای مبارزه با خشونت، آموزش صلح از راه تعلیم و تربیت است (کاظم‌پور و خلخالی، ۱۳۹۱). اصطلاح ساختن صلح توسط جوهان گالتونگ در سال ۱۹۷۵ با انتشار سه رویکرد به صلح ابداع شد. این رویکردها شامل: حفظ صلح، ایجاد صلح و ساختن صلح می‌شود. گالتونگ بسیاری از مفاهیم اصلی را که

امروزه در کار و ایجاد تعاریف در زمینه صلح بکار می‌رود را گسترش داد از جمله تعریف سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۷ می‌باشد.

مفاهیم اصلی از کار گالتونگ شامل موارد ذیل می‌شود:

- صلح منفی، صلح مثبت، خشونت ساختاری، علل ریشه‌ای تضاد و صلح پایدار
- صلح منفی به معنای پایان یا عدم وجود خشونت می‌باشد.
- صلح مثبت به معنای فقدان خشونت ساختاری، حضور عدالت اجتماعی و شرایطی که علل خشونت را از بین می‌برند می‌باشد.
- خشونت ساختاری به معنای خشونت غیرمستقیم خشونت‌تی که در سازه‌ها ساخته شده است و بعنوان قدرت نابرابر و در نتیجه بعنوان شانس زندگی نابرابر ظاهر می‌شود. خشونت‌های ساختاری همراه و عامل اصلی خشونت مستقیم است.
- ایجاد صلح شامل ریشه‌کن کردن خشونت‌های ساختاری و خشونت‌های فرهنگی است که به خشونت مستقیم ختم می‌شود.
- هدف از ایجاد صلح مثبت صلح پایدار است.
- ساختارها باید کشف شوند که علل جنگ را برطرف کنند و جایگزین جنگ را در شرایطی که جنگ ممکن است رخ دهد ارائه دهد.
- گالتونگ همچنین بر اهمیت دانش محلی، مالکیت و مشارکت در ایجاد صلح تاکید می‌کند.
- بسیاری از محققان، سازمان‌های بین‌المللی و گروه‌های اجتماعی این مفاهیم و ایده‌های ساختن صلح را بکار گرفته‌اند آنها از طریق دیدگاه‌های مختلف و اصلاح ایجاد صلح در راه‌های مفهومی و عملی به ایجاد صلح یا ساختن صلح نزدیک شدند.

## ۲-۲- تعاریف سازمان بین‌المللی

در سال ۲۰۰۷ کمیته سیاست عمومی دبیرکل پایه مفهومی برای ایجاد صلح را برای اطلاع‌رسانی به سازمان ملل متحد ارائه داد و ساختن صلح را اینگونه تعریف کرد: ایجاد صلح شامل طیف وسیعی از اقداماتی است که هدف آن کاهش خطر ابتلا به عقب‌ماندگی یا تداوم اختلاف است. با تقویت توانایی‌های ملی در تمام سطوح برای مدیریت منازعات و ایجاد پایه‌های صلح پایدار و توسعه است. استراتژی‌های صلح‌آمیز باید منسجم و متناسب با نیازهای خاص کشور مربوطه براساس مالکیت ملی و باید شامل مجموعه‌ای از فعالیت‌هایی با هدف اولویت‌بندی شده و به همین ترتیب نسبتاً باریک از اهداف فوق باشد.

سازمان همکاری اقتصادی و توسعه در سال ۲۰۰۸ تعریف دیگری از ساختن صلح پیشنهاد داده است: ساخت و ساز صلح طیف گسترده‌ای از اقدامات را در زمینه شرایط در حال ظهور فعلی یا بعد از جنگ مورد استفاده قرار می‌دهد و به وضوح به وسیله تعهد اولیه برای جلوگیری از درگیری‌های خشونت‌آمیز و ترویج صلح پایدار و با دوام هدایت و انگیزه می‌گیرد (United Nations Childre's Fund, 2011: 16-12).

### ۳- نقش تحصیلات و آموزش در ایجاد صلح

آموزش یکی از مهمترین ابزار برای پیشرفت بشریت و ریشه‌کن کردن فقر می‌باشد. این بدان معنی است که نسل‌های متوالی ارزش‌ها، دانش و مهارت‌ها را برای سلامتی و ایمنی شخصی خود و توسعه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آینده گسترش می‌دهند. این ممکن است یکی از دلایلی باشد که اهداف توسعه هزاره بر دستیابی به آموزش ابتدایی جهانی، آزاد و اجباری از طریق آموزش برای همه بسیار تاکید کردند. موانع زیادی برای رسیدن به آموزش همگانی وجود دارد که این موانع شامل عدم اولویت آموزش و پرورش از سوی دولت‌های ملی می‌شود (مانند هزینه‌های کم بعنوان درصدی از درآمد ناخالص ملی یا توزیع نامناسب بودجه و منابع) یا فقدان اقدام موثر جامعه بین‌المللی در استفاده از کمک‌های توسعه می‌باشد. در درون کشورها، فقر، کودک کار، فاصله از مدرسه، دسترسی نابرابر به دلیل عوامل جنسیتی یا فرهنگی و وجود درگیری همه موانعی هستند برای ثبت نام کودکان در مدارس.

۳۴

### ۳-۱- آموزش بعنوان پاسخ بشردوستانه

سیستم آموزشی با چالش‌های استثنایی در طول زمان درگیری‌های خشونت‌بار مواجه است در این درگیری‌ها حقوق بشردوستانه بین‌المللی اهمیت خاصی دارد. کنوانسیون‌های ژنو اشاره خاصی به حمایت‌های مربوط به آموزش و پرورش در زمان جنگ دارد از جمله:

- احزاب درگیری اطمینان حاصل می‌کنند که کودکان زیر ۱۵ سال یتیم شده یا از خانواده‌هایشان جدا شده‌اند و آموزش مناسب دارند.
- قدرت‌های اشغال‌گر باید آموزش و پرورش را تسهیل کنند.
- آموزش و پرورش باید برای کودکان و نوجوانان داخلی فراهم شود.
- آموزش و پرورش باید در سراسر درگیری‌های غیر بین‌المللی ارائه شود.

ضعف اصلی چنین مقرراتی این است که به این دلیل که کنوانسیون ژنو فقط پس از جنگ جهانی دوم به وجود آمد آنها به موقعیت‌هایی اطلاق می‌شود که یک کشور رسمی جنگ میان کشورها را اعلام کرده است.

<sup>1</sup> (OECD)

نگرانی‌ها در مورد تاثیر درگیری‌های خشونت‌آمیز و جنگ علیه کودکان در دهه ۱۹۹۰ توجه قابل ملاحظه‌ای شد و بطور جامع از طریق تحقیق توسط دبیرکل سازمان ملل متحد ارائه شد. این گزارش تعدادی از پیامدهای مهم را برای بخش آموزش و پرورش از جمله تنظیمات برای آموزش پناهندگان و افراد آواره استراتژی‌هایی برای جلوگیری از استفاده از سربازان کودک، حفاظت از دختران علیه جنایات جنسی، آموزش مین زمینی و مشاوره‌های تروما مشخص کرد. این مبنای تعدادی از ابتکارات را فراهم کرد و مسائل بسیاری که توسط این گزارش مشخص شده است به مناطق تخصصی توسعه بین‌المللی تبدیل شده است. استدلال‌هایی نیز مطرح شد که آموزش باید بخش مهمی از پاسخ‌های بشردوستانه باشد. توجه به این واقعیت است که آموزش و پرورش یک حق اساسی است که در اعلامیه حقوق بشر و کنوانسیون حقوق کودک بیان شده است. کودکان نباید این حق اساسی برای تحصیل را از دست بدهند به این دلیل که عنصر مهم در حفاظت جسمی، روحی و حفاظت‌شناختی از کودکان در طول درگیری می‌باشد (UNESCO, Ibid: 24).

با ارائه یک معیار آموزش عادی و ثبات ممکن است تاثیر روانی و اجتماعی درگیری را بتوان کاهش داد. یک محیط یادگیری ایمن ممکن است کودکان را از خشونت فیزیکی روزمره یک درگیری محافظت کند در حالیکه اطلاعات نجات در زندگی که چگونه یک نفر را از خطر حفاظت نمایند انتقال می‌دهد (مانند: حمله جنسی، استخدام فرزند، مین‌های زمینی). آموزش و پرورش همچنین می‌تواند با حمایت از توسعه فکری از ۳۵ طریق آموزش سواد و حسابداری و در برخی موارد حل منازعات و مهارت‌های صلح ساختن حمایت از شناخت را فراهم کند. بحث در مورد ضرورت آموزش در پاسخ به کمک‌های بشردوستانه در پیش است. یک خطر مهم این است که پاسخ‌های فوری از برنامه‌های توسعه بلندمدت برای بخش آموزش جدا می‌شوند. این ممکن است دچار تشدید شود در حالیکه سازمان‌های بین‌المللی درگیر در پاسخ‌های فوری و متفاوت از افرادی هستند که در کمک درازمدت برای آموزش و پرورش فعالیت می‌کنند و پرسنل بخش آموزش در مقامات آموزشی محلی در مراحل اولیه شرکت نمی‌کنند. با این حال این منطقه از زمان برگزاری مجمع آموزش جهانی در سال ۲۰۰۰ بطور قابل ملاحظه‌ای توسعه یافته است و چهارچوب دارکر برای انجام اقدامات آن شامل یک درخواست صریح برای حمایت اهدا کنندگان از این حوزه است که در حال حاضر بعنوان آموزش در شرایط اضطراری شناخته می‌شود در حالیکه این حوزه بطور انحصاری باتوجه به تعارض تعریف نشده است. اختلال آموزش ناشی از تعارض قطعا یک مجموعه شرایطی است که در تعریف اضطراری آمده است. ابتکار مهم ایجاد شبکه آژانس بین‌المللی آموزش در شرایط اضطراری به رهبری مراقبت بین‌المللی<sup>۱</sup> شورای پناهندگان نروژی، اتحاد نجات کودکان، یونسکو و یونیسف تشکیل شده است. آژانس بین‌المللی آموزش اختیاری برای پیاده‌سازی

<sup>۱</sup>International Care

یا هماهنگی در بحران‌ها ندارد اما اعضای آن را قادر می‌سازد تا اطلاعات را به اشتراک بگذارند و از همکاری بهره‌مند شوند. یک هدف برای شبکه آژانس بین‌المللی آموزش تعریف حداقل استانداردها برای آموزش در شرایط اضطراری است و این استانداردها در حال حاضر در بیش از ۶۰ کشور استفاده می‌شود. برخلاف این دستاوردها ممکن است هنوز هم کسانی که در بخش‌های دیگر مشغول بکار هستند در مورد ورود آموزش به پاسخ‌های بشردوستانه در اولویت قرار گیرند. شواهد نشان می‌دهد که علیرغم یک دهه دفاع آموزش و پرورش هنوز تنها ۲ درصد از کمک‌های بشردوستانه را دریافت می‌کند و کمترین امتیاز را برای کمک مالی در مقایسه با غذا، بهداشت، آب، سرپناه دریافت می‌کند. آموزش بعنوان بخشی از توسعه بلندمدت در نظر گرفته می‌شود نه بعنوان یک پاسخ فوری بشردوستانه. بخشی از مشکل این است که استدلال‌هایی که کارگران میدان از توجیه تامین بودجه بیشتر برای آموزش در طول فاز انسانی استفاده می‌کنند و بیشتر موردنیاز به مشارکت زود هنگام درازمدت است. (مانند: جمع‌آوری داده‌های دقیق، بررسی اینکه آیا و چگونه می‌توان آموزش را اصلاح کرد و ظرفیت بهتری را توسعه داد) (United nations children's fund, Ibid: 18-17).

### ۳-۲- تعارض حساس آموزش

در طول دهه گذشته تعداد روزافزون مطالعات جنبه‌های آموزش را برجسته کرده‌اند که پیامدهای آن برای درگیری‌ها را نشان می‌دهد و تعدادی از دلایل اینکه ما باید درباره اینکه چگونه آموزش فراهم می‌شود هوشیار باشیم. اولاً آموزش ممکن است بعنوان یک ابزار قدرتمند برای توسعه ایدئولوژیک به لحاظ سیاسی درک شود. این می‌تواند بسیاری از اشکال اعم از استفاده از آموزش و پرورش در توسعه ایده‌های لیبرال تا ساخت و ساز ملت و در موارد شدید ایدئولوژی سیاسی شود. دوماً آموزش ممکن است بعنوان یک ابزار برای ارائه دانش و مهارت‌های لازم برای توسعه اقتصادی و تحرک اجتماعی درک شود. با این وجود این ممکن است یا ممکن نیست شامل نگرانی‌های سهمی باشد. به این ترتیب گروه‌های خاصی را از مزایای اقتصادی و اجتماعی که آموزش می‌تواند فراهم کند منع می‌کند. سوماً آموزش وسیله‌ای است که ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود یا نگرش‌هایی را که بطور صریح یا بطور ضمنی به خشونت یا ایجاد درگیری منجر می‌شود را تشویق نماید. از طریق تجزیه و تحلیل سیستم‌های آموزشی از منظر مناقشه یک منطقه توسعه نیافته است. این به طیف وسیعی از حرفه‌ای‌ها از جمله سیاستمداران، سیاستگذاران، مدیران آموزش، والدین، معلمان، فعالان جامعه جوانان و کارگران توسعه مربوط می‌شود. بسیاری از نقاط ورود به سطوح مختلف سیستم آموزش و توسعه سیستم‌های آموزشی حساس به درگیری شامل تجزیه و تحلیل در هر یک از اینها وجود دارد که این شامل تجزیه و تحلیل انتقادی از ایدئولوژی سیستم راندگی سیاسی و



همچنین قانونگذاری آن ویژگی‌های ساختاری و اداری آن می‌شود. این ممکن است پیامدهای قابل توجهی برای عدم تبعیض و دسترسی برابر به آموزش داشته باشد. چالش برانگیزتر از چالش‌های توسعه بین‌المللی یافتن راهی برای ایجاد سوالات انتقادی درباره شکل و محتوای آموزش و همچنین پیامدهای آن برای روابط میان مردم، گروه‌ها و ملل است.<sup>۱</sup>

دشوار بودن یافتن راه‌هایی برای پذیرش آن در بین‌المللی بعنوان یک نگرانی مشروع بخشی از بهبود کیفیت آموزش است. میزان تحصیلات یک ابزار برای اهداف سیاسی یا ایدئولوژیکی ممکن است با مشارکت سیاسی در مسائل عملیاتی مانند: انتصابات آموزش، استقرار معلمان یا تعیین برنامه درسی نشان داده می‌شود. در بسیاری از موارد نخبگان سیاسی خواهان استفاده از آموزش برای اهداف خود می‌باشند. گرچه عدم تمرکز نظام آموزش ممکن است پتانسیل افزایش مشارکت و مالکیت را داشته باشد همچنین ممکن است تحصیلات را بعنوان بخشی از سیاست محلی باز کند. این نشان دهنده نیاز به تجزیه و تحلیل است که تاثیرات سیاسی و اقتصادی را که در سیستم آموزش و پرورش در محیط‌های پس از جنگ وجود دارد را مشخص می‌کند. بنابراین ظرفیت‌سازی و آموزش برای افرادی که در خدمات دولتی مشغول بکار هستند ممکن است یک پیش‌نیاز لازم برای موفقیت هر طرح کلی آموزش باشد که دربرگیرنده درگیری است. حکومت در تمام سطوح نظام آموزش و پرورش یک مسئله حیاتی است. تدارکاتی که برای نمایندگی و مشارکت در مشاوره، تصمیم-<sup>۳۷</sup> گیری و حکومت در نظر گرفته می‌شود ممکن است منابع بالقوه تعارض باشند یا ممکن است فرصت‌هایی برای مشارکت و حل شکایات باشد. ترتیبات برای شفافیت و پاسخگویی همچنین نشان دهنده ظرفیت سیستم‌های آموزشی برای پذیرش و مقابله با نابرابری‌هایی است که در غیر این صورت ممکن است منجر به جنگ شود (United nations children's fund, Ibid: 21-19).

در سطح عملی جنبه‌های بسیار زیادی از برنامه‌های درسی وجود دارد که می‌توانند تعارض را تحمل کنند. زمانی که برنامه درسی بعنوان انتقال دانش از یک نسل به نسل دیگر بطور دقیق درک می‌شود ممکن است بعنوان یک ابزار بسیار قدرتمند برای ترویج ایدئولوژی‌های سیاسی خاص، شیوه‌های مذهبی یا ارزش‌ها و سنت‌های فرهنگی در نظر گرفته شود. روند مدرن در بسیاری از کشورها این است که برنامه درسی را مدرن سازد تا آن را با توجه به نتایج یادگیری تعریف کند در جائیکه نتایج یادگیری به مهارت‌ها، نگرش‌ها و ارزش‌ها و همچنین دانش واقعی اشاره می‌کند. آنها ممکن است شامل توسعه مهارت‌های عمومی شود که این مهارت‌ها شامل مهارت‌های ارتباطی، توانایی استفاده از منابع مختلف اطلاعات و ارزشیابی شواهد متضاد، توسعه سواد رسانه‌ای، تفکر انتقادی و توسعه اخلاقی شود.

<sup>1</sup> Education for peace, building peace and transforming armed conflict through Education system s. Kendra Depuy.

در تنظیمات بین‌المللی توسعه تاکید ویژه‌ای بر مهارت‌های زندگی بعنوان وسیله‌ای برای حمایت از کودکان، آموزش اجتماعی و بهداشتی می‌شود و استدلال این است که این نوع مهارت‌هایی است که برای ایجاد صلح نیز مفید هستند. مقادیری که در کتاب‌های درسی و سایر منابع یادگیری ارائه شده یک منطقه بیشتر از نگرانی متخصصین است. برای مثال بهره‌برداری از یک خط‌مشی کتاب‌های درسی تنها ممکن است وزارت آموزش یک راه برای تضمین حداقل حق برای همه دانش‌آموزان به منابع یادگیری اساسی به ویژه در کشورهای کم‌درآمد مهم است و در جاییکه دسترسی برابر باید نشان داده شود. با این وجود نگرانی نیز وجود دارد که تاکید بر تحلیل منازعات جنبه‌های منفی ارائه شده در آموزش را برجسته می‌کند. از دیدگاه عملی بعضی از کارگران کمک کننده پیشنهاد می‌کنند که این امر را دشوار می‌سازد تا اهدا کنندگان را برای سرمایه‌گذاری در آموزش در کشورهای آسیب دیده قانع کنند. دیگران پیشنهاد می‌دهند که برقراری رابطه مثبت با مقامات آموزش محلی دشوار است و سهمیه‌ای را که آموزش می‌تواند برای صلح ایجاد کند را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

### ۳-۳- آموزش برای بازسازی، اصلاح و ایجاد صلح

در اوایل آموزش برای بازسازی بین بازسازی فیزیکی ساختمان‌های مدرسه تفاوت دارد (از جمله راهبردهای تعمیرات اضطراری، نیازهای آموزش پناهندگان و مسائل مربوط به ایمنی مین‌های زمینی) بازسازی ایدئولوژیک که بعنوان مثال برای دموکراتیزه کردن یک نظام آموزش یا بازآموزی معلمان و بازسازی روانشناختی است که به مسائل مربوط به آسیب‌زدایی، از دست دادن اعتماد به نفس و مسائل مرتبط با سلامت استرس و افسردگی اشاره دارد. این بطور قابل توجهی با گزارش بانک جهانی در مورد بازسازی پس از درگیری تناقض دارد که نشان می‌دهد اولویت اصلی در دهه ۱۹۹۰ بر بازسازی زیرساخت‌های فیزیکی بود (بانک جهانی، ۱۹۹۸).

تغییر در زمینه امنیت در دهه گذشته چالش‌های جدیدی را برای سازمان‌های کمک کننده و سازمان‌های توسعه ایجاد می‌کند. دو بعد اصلی برای این وجود دارد اولاً آگاهی رو به رشد در میان اهدا کنندگان وجود دارد که یک رویکرد صرفاً فنی به برنامه‌نویسی در محیط‌های سیاسی موجود در شرایط درگیری کافی نیست. این به تاکید بیشتر بر نیاز به تجزیه و تحلیل اقتصادی سیاسی در بخش آموزش منجر شده است. به رسمیت شناختن در حال افزایش است که مانع از اصلاحات موثر در سطح بخش (از جمله برای تحویل، برنامه‌ریزی و تهیه) می‌شود و می‌تواند سیاسی باشد و راه‌حل‌های فنی تنها نمی‌تواند کافی باشد. حکومت یک بخش و شیوه‌هایی که در آن سیاست و نهادها در داخل آن بخش تعامل دارند در عمل تاثیرات انتقادی در سیاست‌ها و خدمات آن بخش خواهند داشت. تعدادی از اهدا کنندگان ابزار و رویکردهای تحلیلی اقتصادی سیاسی را

توسعه داده‌اند و توسط boak مورد بررسی قرار گرفته‌اند. اینها براساس کار اولیه DFID در رانندگان تغییر و رویکردهایی نظیر هلند، نظارت استراتژیک و تجزیه و تحلیل فساد است. اما نمونه‌های بسیار کمی در ادبیات این موارد در بخش آموزش یا در محیط جنگ وجود دارد اگرچه کمیسیون اروپا در حال حاضر بررسی می‌کند که چگونه تجزیه و تحلیل اقتصادی سیاسی می‌تواند برنامه‌ریزی خود را در آموزش اطلاع دهد. ثانیاً زمینه تغییر و تاکید بیشتر بر برنامه امنیت جهانی که نیازمند به آژانس‌های کمک کننده خواهد بود تا انتخاب‌های صریح‌تری درباره چگونگی وضعیت آنها و کار آنها انجام دهد. مداخلات بشردوستانه نشان می‌دهد که زمان پاسخگویی اضطراری محدود به بحران‌های بشر دوستانه و بلایای طبیعی است که بعضی از آنها بواسطه درگیری‌ها ایجاد می‌شود. کمک‌های توسعه‌ای که رویکرد حساس به درگیری را اتخاذ می‌کند توسط اعلامیه پاریس در مورد اثربخشی کمک و اصول سازمان همکاری اقتصادی و توسعه برای تعامل خوب بین‌المللی در کشورهای آسیب‌پذیر تشویق شده است. و فقط درجه‌ای از مداخله‌ای را ارائه می‌دهد که هیچ آسیبی ندارد. با این حال اگر آژانس‌ها معتقد باشند که تحول درگیری ویژگی متمایز رویکرد صلح است این احتمالاً نیاز به یک موضع مداخله‌آمیز بیشتری دارد. توسعه ناشی از تجزیه و تحلیل سیاسی ناگزیر به معنی تصمیم‌گیری براساس قضاوت در مورد آنچه که از دیدگاه صلح بهتر است می‌باشد و این همواره با دیدگاه دولت‌های ملی یا اصول اعلامیه پاریس سازگار نیست. با توجه به ارتباطات بین آموزش و ایجاد صلح نقش آموزش اغلب ۳۹ بعنوان تعلیم و تربیت صلح در نظر گرفته شده است که دربرگیرنده کار با کودکان و نوجوانان در زمینه برنامه‌ریزان آموزشی صلح برای توسعه شخصی، ارتباط بین گروهی و تکنیک‌های حل اختلاف است. با این حال تعدادی از ابتکارات اخیر که تحقیقات در این زمینه را مرور کرده‌اند وجود دارد و بخش‌هایی که مرور ادبیات تحقیق آموزشی را فراهم می‌کند و همچنین بررسی برنامه ادبیات مربوط به آموزش و ایجاد صلح را شامل می‌شود (United nations children s fund, Ibid: 24).

#### ۴- اهداف آموزش برای صلح، حقوق بشر و دموکراسی<sup>۱</sup>

هدف نهایی آموزش برای صلح، حقوق بشر و دموکراسی توسعه هر فرد از حس ارزش‌های جهانی و انواع رفتاری که فرهنگ صلح را پیش‌بینی می‌کند می‌باشد. حتی در شرایط مختلف اجتماعی فرهنگی نیز ممکن است شناسایی شود. ارزش‌هایی که احتمالاً بطور جهانی شناخته می‌شوند. آموزش باید توانایی ارزش‌گذاری آزادی و مهارت‌ها را برای برآورده ساختن چالش‌های خود را توسعه دهد. این بدان معنی است که آماده‌سازی شهروندان برای مقابله با شرایط دشوار و نامعلوم و مناسب بودن آنها برای استقلال و مسئولیت شخصی است.

<sup>۱</sup> Aims of education for peace human rights and democracy

آگاهی از مسئولیت شخصی باید با به رسمیت شناختن ارزش تعهد مدنی برای پیوستن با دیگران با هدف حل مشکلات و کار کردن برای یک جامعه صلح‌آمیز و دموکراتیک در ارتباط باشد. آموزش باید توانایی شناخت و پذیرش ارزش‌های موجود در تنوع افراد، جنس‌ها مردم و فرهنگ‌ها را توسعه دهد و توانایی برقراری ارتباط، اشتراک‌گذاری و همکاری با دیگران را توسعه دهد. شهروندان یک جامعه پلورالیستی و جهان چندفرهنگی باید بتوانند بپذیرند که تفسیر آنها از موقعیت و مشکلات در زندگی شخصی آنها و در تاریخ جامعه خود و در سنت‌های فرهنگی خود ریشه دارد. در نتیجه هیچ فرد و گروه تنها پاسخی به مشکلات ندارد و برای هر مشکل ممکن است بیش از یک راه‌حل وجود داشته باشد بنابراین مردم باید به یکدیگر احترام بگذارند و با نگاهی به زمینه مشترک بر پایه‌ای برابر با یکدیگر مذاکره کنند. این آموزش باید هویت فردی را تقویت کند و همگرایی ایده‌ها و راه‌حلهایی را تقویت کند که صلح، دوستی و همبستگی بین افراد و مردم را تقویت می‌کند. آموزش باید توانایی حل اختلافات غیرخشونت‌آمیز را توسعه دهد. بنابراین باید رشد ذهنی در ذهن دانش‌آموزان را ترویج دهد تا بتوانند کیفیت و تحمل، شفقت به اشتراک‌گذاری و مراقبت را بطور دقیق تثبیت کند.

آموزش باید در شهروندان توانایی تصمیم‌گیری آگاهانه را ایجاد کند قضاوت و عملکرد آنها نه تنها بر مبنای تحلیل شرایط فعلی بلکه باید بر مبنای دیدگاه یک آینده ترجیحی مبنای قرار گیرد. آموزش باید شهروندان را به احترام به میراث فرهنگی، حفاظت از محیط زیست و اتخاذ روش‌های تولید و الگوهای مصرف که به توسعه پایدار منجر شود را آموزش دهد. هماهنگی بین ارزش‌های فردی و جمعی و بین نیازهای اساسی اولیه و منافع بلند مدت نیز ضروری است. آموزش و پرورش باید با توجه به تعادل و توسعه بلندمدت احساس همبستگی و عدالت را در سطح ملی و بین‌المللی را تقویت کند (UNESCO APNIEVE SOURCE BOOK, 1998).

##### ۵- نقش پیشگیرانه آموزش بر شکل‌گیری تروریسم

رسالت ویژه و سنتی دانشگاه‌ها ارائه آموزش‌های تخصصی و مهارت‌های مرتبط با توانمندسازی افراد به منظور ایفای نقشی مفید در تحولات اجتماعی و کسب زندگی مرفه با شغلی آبرومندانه برای دانشجویان است و عمدتاً دانشگاه‌ها به امور آموزشی و آماده‌سازی افراد برای حضور موثر در اجتماع می‌پردازند. در این میان نقش دانشگاه‌ها در صلح‌سازی و گسترش فرهنگ صلح و بسترسازی برای مدیریت مسالمت‌آمیز منازعات منطقه‌ای کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. این نقش دانشگاه‌ها به ویژه در مناطق و جوامع درگیر منازعه و ظرفیت بالقوه دانشگاه در صلح‌سازی پایدار و ترویج ارزش‌ها و فرهنگ صلح در جوامع و مناطق منازعه‌خیز، کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. این مهم به ویژه در منطقه خاورمیانه که آستان منازعات گروه‌های

تروریستی مختلف است، از اهمیتی مضاعف برخوردار است؛ چراکه این منطقه از فردای فروپاشی امپراطوری عثمانی و ظهور دولت‌های جدید، همواره تنش‌ها، منازعات و بحران‌های مختلفی را با ماهیت قومی، مذهبی و سرزمینی تجربه می‌کند و عمدتاً این منازعات منجر به رویارویی مستقیم و کاربرد خشونت در میان دولت‌ها شده است. به عبارت دیگر، وجود رهبران و نخبگانی که پایبند به هنجارهای مشترک برای حل و فصل اختلافات باشند و از تدابیر و شیوه‌های مسالمت‌آمیز برای مدیریت تنش‌ها بهره ببرند، امکان و ظرفیت بروز و تشدید منازعات منطقه‌ای را تخفیف می‌دهند و زمینه‌ها و بسترهای لازم برای صلح‌سازی پایدار و با ثبات را فراهم می‌کنند (Britzman, 1986: 456). آموزش، طیف متنوعی از ابزارهای آموزشی و تعلیمی را در برمی‌گیرد که فرهنگ لازمه آن، فرآیند مشارکتی مثبت و پویا است که در آن گفتگو، ترغیب و منازعات در قالب روح همکاری و درک متقابل حل و فصل می‌شود. بنیان معرفت‌شناختی مطالعات صلح و منازعه بر این پایه استوار است.

برای شناخت صلح می‌بایست نخست خشونت را بشناسیم که به عبارت ساده‌تر، مراکز مطالعات صلح و منازعه مایلند نقش و جایگاه منازعه میان افراد، گروه‌ها و مردم را درک کنند و به روش‌های مختلفی به تحقیق و پژوهش بپردازند، به علاوه این مراکز باورمند به ارزش‌هایی هستند که مقرر می‌دارد حقوق بشر و امنیت انسانی، حقوقی جهانشمول هستند و بخش عمده از تاریخ بشری، مسالمت‌آمیز و غیرخشونت‌آمیز بوده است (Maoz, 2000: 91).

برای تشریح فرهنگ صلح می‌بایست متضاد آن، یعنی فرهنگ خشونت را درک کرد. به علاوه هدف درک خشونت، درک سیر تحول آن از مجرای فرآیندهای حل منازعه، حفظ صلح، ایجاد صلح، صلح‌سازی و آموزش صلح است. آموزش صلح در طول ۶۰ سال گذشته بعنوان سکویی برای دستیابی به اهداف مقرر در منشور سازمان ملل برای ایجاد فرهنگ جهانی صلح پدیدار شده است. فرهنگ‌های صلح درصدد ترویج احترام به زندگی و شیوه‌های مسالمت‌آمیز حل منازعه با بهره‌گیری از آموزش‌های مرتبط با ارزش‌های سازش و حقوق بشر است. در میان هشت حوزه اقدام تعیین شده از سوی شورای آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد (یونسکو)، بعنوان اقدامات ضروری برای ترویج فرهنگ صلح، آموزش صلح حائز رتبه اول است. آموزش صلح شامل ترویج آموزش جهانی، آموزش روش‌های پیشگیری و حل منازعه و پاسداری از ارزش‌های جهانشمول از جمله احترام به زندگی، آزادی، عدالت، همبستگی، مصالحه، حقوق بشر و برابری میان زنان و مردان می‌شود.

برای نیل به فرهنگ، آموزش صلح امری چندفرهنگی، چندکانونی و چندرشته‌ای است؛ یک جامعه می‌بایست به شکل فعالانه‌ای مشتاق به ارزش‌های مثبت باشند که به ملل و فرهنگ‌های مختلف امکان می‌دهد به

شکلی هماهنگ همزیستی داشته باشند. آموزش صلح بعنوان شکلی از شهروندی جهانی در نظر گرفته می‌شود و به شکلی آرام ارزش‌ها، ایستارها و باورهای لازم را به یک عضو مسئول جامعه جهانی القا می‌کند. در مقابل آموزش صلح، آموزش جنگ است که منازعه را از طریق بازتولید نابرابری و حذف از طریق دائمی کردن تقسیم‌بندی‌های قومی یا مذهبی، از طریق پذیرش مردانگی غالب خشونت‌آمیز، از طریق گزینش، رقابت و ترس و از طریق تاکیده‌های نادرست در برنامه‌ها بر حوزه محدود شناختی در کشورهایی که از منازعه قومی طولانی مدت رنج می‌برند، در امر یادگیری شکل می‌دهد (UNESCO, Ibid: 2). گذار از آموزش جنگ به آموزش صلح امری مهم و ضروری محسوب می‌شود و درک رابطه میان منازعه و آموزش، گام قابل ملاحظه‌ای به سوی تغییر و تحول است. با وجود آنکه تاکید و تمرکز اصلی آموزش صلح بر فرد است، پائولو دستیابی به آگاهی فردی و سپس آگاهی گروه «وجدانی‌سازی» را موضوع آموزش صلح می‌داند (Voparil, 2009: 482).

آموزش صلح بعنوان فرآیند پیشبرد و ترویج دانش، مهارت‌ها، ارزش‌ها و ایستارهای لازم برای تحقق بخشیدن به تغییرات رفتاری تعریف شده است که به کودکان، جوانان و بزرگسالان امکان می‌دهد از نزاع و خشونت، به شکل آشکار و ساختاری، پیشگیری کنند و به شکل مسالمت‌آمیز منازعه را حل و فصل کنند و شرایط مستعد صلح ایجاد کنند؛ فارغ از اینکه در سطح میان فردی، میان گروهی، ملی یا بین‌المللی باشد (Hertz, 2004: 1). آموزش دادن به افراد با جنبه‌های مختلف صلح و راهبردهای ایجاد صلح از جانب متخصصان بعنوان یکی از راه‌های اصلی برای بازسازی، تثبیت و دگرگون ساختن یک جامعه که درگیر نزاع ویران کننده بوده است، در نظر گرفته شده است. آموزش مرتبط با صلح و نزاع نهایتاً با هدف کمک به درک، واسازی و تحول بخشیدن به ساختارهای ریشه‌دار تبعیض، تردید و دشمنی و نیز ایستارهایی که توسل به خشونت را امری مشروع می‌انگارند، صورت می‌گیرند (Maoz & Ellis, 2012: 34).

نقش آموزش در زمان درگیری، موضوع مهمی برای پژوهشگرانی است که مایلند نقش منازعه، ملت‌سازی، سیاست هویت و به حاشیه رانده شدن و دستکاری گروه‌های جمعیتی را درک کنند. دانیل بارتال بر این باور است که یکی از دلایلی که موجب تطویل منازعات می‌شود، مرتبط با تحول فرهنگ منازعه‌ای است که به شکل جمعی تدوین، یکپارچه‌سازی، تکثیر و انتشار یافته است. علاوه بر مواد آموزشی، تعلیم دهندگان هم خود ابزارهای درک و فهم هستند. مطالعات نشان داده است که معلمان قدرت بیشتری نسبت به متون مکتوب، در شکل‌دهی به نظام‌های ارزشی و درک و فهم دارند.

آموزش رسمی، ابزار جامعه‌پذیری و ملی‌گرایی است و در ایستارها و برداشت‌های افراد از گذشته و همین‌طور نیت‌ها و رفتارهای آنها در آینده نقش دارد. آموزش رسمی در منازعات هویتی می‌تواند آثار منفی همچون آموزش بعنوان شکلی از سرکوب فرهنگی یا سیاسی جهت اعمال تبعیض میان افراد تحت آموزش برای

ترغیب کلیشه‌سازی و ترویج ترس یا نفرت می‌شود، همچنین آموزش رسمی می‌تواند آثار مثبت مانند مخلوط شدن گروه‌های هویتی برای تقویت تفاهم و مصالحه، فرصتی برای رفع تبعیض از گروه‌های پیشتر جدا افتاده و باز تعریف هویت اجتماعی و شهروندی به دنبال داشته باشد. آموزش یک برساخته سیاسی است و با ملت‌سازی همراه و هماهنگ است.

تعدادی از اندیشمندی که به تحقیق آموزش بیطرف درباره بهره‌گیری از کتب درسی و برنامه‌های مدارس در کشورهایی که درگیر منازعه سخت بوده‌اند، به این نکته اشاره کرده‌اند که تبعیض‌های قومی همزمان با اینکه کودکان را از تفاوت‌های فرهنگی آگاه‌تر می‌کند، قدرت و استحکام بیشتری هم می‌یابند. در واقع، کودکان مورد تبعیض به احتمال زیاد اخلاق‌گرا خواهند بود، جهان را دوگانه‌سازی خواهند کرد، و احتیاج زیادی به قاطع بودن دارند. برای مثال، این روند را می‌توان در بسیاری از اجتماعات مذهبی که جدایی و تبعیض سبب تقویت و ترغیب عدم تساهل قومی و مذهبی می‌شود و مرزهای خیالی میان افراد را تشدید می‌کند، مشاهده کرد (The role of education in peacebuilding, 2011: 12).

### نتیجه‌گیری

یکی از مهمترین موضوعات در صلح و ثبات منطقه‌ای، بهره‌گیری از شیوه‌ها و روش‌های مسالمت‌آمیز برای مدیریت منازعات منطقه‌ای است. اینکه نخبگان و مقامات تصمیم‌گیر یک منطقه تا چه میزان از مذاکره و گفتگو برای حل و فصل اختلافات و مدیریت تنش‌ها بهره می‌برند، از مسائل کلیدی در مطالعه منازعات منطقه‌ای و پیش‌بینی روندهای آتی در پیشروی یک منطقه به سمت بحران و جنگ محسوب می‌شود در این میان، آموزش صلح بعنوان فرآیند پیشبرد و ترویج دانش، مهارت‌ها، ارزش‌ها و ایستارهای لازم برای تحقق تغییرات رفتاری در میان کودکان، جوانان و بزرگسالان امکان پیشگیری از نزاع و خشونت و حل و فصل مسالمت‌آمیز منازعه را فراهم می‌کند. در همین راستا، دانشگاه، بعنوان یک نهاد راهبردی در پرورش و آموزش سرمایه اجتماعی، هدایتگری مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی را در جهت تحقق و پایداری امنیت اجتماعی و تربیت افرادی پایبند به فرهنگ صلح را برعهده دارد.

تحصیلات نمی‌تواند یک فرد را از ارتکاب اقدامی خشونت‌بار به نام یک ایدئولوژی افراطی منصرف کند. اما تدارک تحصیلات مرتبط با کیفیت بالا می‌تواند به خلق شرایطی که این کار را برای ایدئولوژی افراطی‌های خشن دشوار می‌کند، کمک کند و نسبت به توسعه آن اقدام کند. به صورت ویژه سیاست‌های آموزشی می‌تواند تضمین کند که مکان‌های تحصیل به یک محل برای تکثیر افراطی‌های خشن تبدیل نشود و همچنین تضمین کند که محتوای آموزشی و رویکردهای آموزشی-یادگیری مقاومت شاگردان را در مقابل افراطی‌های



خشن افزایش دهد. نقش آموزش همچنین این نیست که مانع افراطی‌های خشن شده و خود یا کسانی که بالقوه ممکن است تبدیل به افراطی‌های خشن شوند را شناسایی کند. اما برای ساختن شرایطی است که مکانیزم دفاعی در شاگردان علیه خشونت افراطیون بسازد و تعهدشان به عدم خشونت و صلح را قوی‌تر کند. تحصیلات به تنهایی می‌تواند تاثیر محدودی بر جلوگیری از افراطی‌گری‌های خشونت طلب داشته باشد اگر این دیدگاه‌های انحصاری جهانی را تقویت کند و خشونت را در هر شکلی تحمل کند. برای تاثیر موثر سیاست‌های آموزشی و رویه‌ها باید بطور مستقیم و غیرمستقیم با محرکان خاص افراطی‌گری‌های خشونت‌بار برخورد کند. مطابق معمول وضعیت کنونی نه می‌تواند و نه خواهد توانست که یک راه‌حل نادر ارائه دهد. یک ترکیبی از اقدامات کوتاه مدت و بلند مدت و میان مدت آموزشی لازم است.

محافظت از کودکان و فراهم آوردن دسترسی به مدرسه و آموزش بعنوان روشی کوتاه مدت و وسیله‌ای برای تقویت صلح می‌باشد که البته نیازمند به تحولات بلند مدتی است تا بتوان از طریق آموزش و پرورش، کودکان و نوجوانان را به ایجاد صلح جذب کرد. خود و دیگران مولفه‌های مهم آموزش صلح به شمار می‌روند زیرا این توانایی موجب می‌شود فرد به خصوصیات، نقاط ضعف و قوت و خواسته‌های خود آگاهی یابد و بتواند در روابط بین فردی همدلانه برخورد کند، مصلحت فرد و جمع را در نظر بگیرد و این امر در صورتی حاصل می‌شود که فرد خود را بشناسد (Kupermintz & Salomon, 2005: 302).

۴۴

مهمترین در میان این اقدامات اجرای سیاست‌های آموزشی شامل و منصفانه و رویه‌هایی که تفاوت‌های افراد را نه بعنوان یک مشکل برای حل کردن بلکه بعنوان فرصت‌هایی برای غنی کردن آموزش نگاه می‌کنند است. در یک سطح آموزشی، این وسیله‌ای برای اولویت‌بندی نه تنها مهارت‌های شناختی بلکه مهارت‌های اجتماعی - احساسی و رفتاری از جنبه پرورش احترام برای اختلاف و مسئولیت مشارکت است (Preventing violent extremism through education, 2007: 25).

در حالیکه بحث سنگینی درباره نقش ویژه آموزش در جلوگیری از افراطی‌گری‌های خشونت‌بار وجود دارد، این نقطه نظر یونسکو است که اقدام نکردن تا پایان این مباحثات ممکن نیست. تهدید در حال رشد افراط‌گرایی منجر به خشونت، نشان دهنده این است که سیستم آموزشی می‌تواند کار بیشتری در جهت انسجام اجتماعی بیشتر از طریق تدابیر آموزشی مرتبط و عادلانه با کیفیت بالا انجام دهد.

تحصیلات نمی‌تواند کاملاً شامل در نظر گرفته شود و بنابراین و نمی‌تواند به نقشی در صلح‌سازی ایفا کند تا زمانی که بعنوان یک حق جهانی در قوانین و سیاست‌های داخلی تدوین شود. این به این دلیل است که صلح مثبت حضور و ارتقا عدالت اجتماعی از طریق حمایت از حقوق بشر را در پی دارد، شامل حق تحصیل (هنل، ۱۳۸۳: ۷۶)، اما صلح مثبت باید درباره چیزی بیش از حمایت از حقوق بشر باشد چراکه حمایت از حقوق بدین معنی است که چنین حقوقی وجود دارد و به شکل نظری شهروندان از آن بهره‌مند می‌شوند، که



در جهان اینگونه نیست. این حقوق نه تنها باید محافظت شوند بلکه اول باید توسط دولت‌ها شناخته و اجرا شوند. این درباره تحصیلات رسمی در خیلی از کشورها اتفاق نمی‌افتد به ویژه در دنیای در حال توسعه که حق تحصیل رسمی همیشه شناخته شده، اجرا شده و محافظت شده نیست. حق تحصیلات ابتدایی رایگان اساساً در کشورهای مختلفی مانند فیجی، لائوس، برون‌دی، بوتسوانا و جمهوری مرکزی آفریقای شناخته نشده است (فلاح نودهی، ۱۳۸۸: ۲۰۰۶). جائیکه حقوق وعده داده می‌شوند اما محقق نمی‌شوند این مسئله می‌تواند یک فشار بنیادین ایجاد کند که ممکن است منجر به شورش علیه دولت شود.

بنابراین باید توجه داشت که انکار یا ندیدن بسیار خطرناک است، این انکار است که «تروریسم» را به وجود می‌آورد و آنچه که می‌تواند ما را به صلح برساند ترویج انقلاب آموزشی، آموزش جهانی و آموزش صلح روانی و احترام به همدیگر، حاکمیت قانون و رعایت حقوق بشر است و به نظر می‌رسد که عمق تعهدات همکاری در امور آموزشی، بسیار بیشتر و موثرتر از موارد دیگر است.

## فهرست منابع

### فارسی:

- ۱- فلاح نودهی، معصومه (۱۳۸۸)، «بررسی مولفه‌های آموزش صلح یونسکو در اسناد و مدارک جمهوری اسلامی ایران»، ماهنامه علمی پژوهشی دانشگاه شاهد، س ۱۶، ش ۳۶.
- ۲- کاظم‌پور، اسماعیل و خلخالی، علی (۱۳۹۱)، «تاثیر برنامه آموزش صلح در تربیت شهروند جهانی»، فصلنامه علمی-پژوهشی رهیافتی نو، س ۳، ش ۳.
- ۳- ناجی، سعید و خطیبی مقدم، سمیه (۱۳۸۹)، «آموزش تفکر کودکان راهی برای دستیابی به صلح جهانی»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ش ۲.
- ۴- هنل، ریچارد (۱۳۸۳)، تروریسم: شکل جدید جنگ، چ ۱، مترجم: احمد واحدیان غفاری، تهران: سخن گستر.

### لاتین:

- 5- Britzman, D. P. (1986). Cultural Myths in the Making of a Teacher: Biography and Social Structure in Teacher Education. *Harvard Educational Review*. 56(4).
- 6- Hertz-Lazarowitz. (2004). Existence and Coexistence in Acre: The Power of Educational Activism. *Journal of Social Issues*. 60(2).
- 7- Kupermintz, H., & Salomon, G. (2005). Lessons to Be Learned from Research on Peace Education in the Context of Intractable Conflict. *Theory into Practice*. 44(4).

- 8- Learning to live together in peace and harmony \_ a UNESCO APNIEVE SOURCE BOOK \_ (1998). UNESCO principal regional office for Asia and the pacific \_ Bangkok 10110\_ Thailand.
- 9- Maoz, I. (2000). An Experiment in Peace: Reconciliation-Aimed Workshops of Jewish- Israeli and Palestinian Youth. *Journal of Peace Research*. 37(6). pp. 721-736. 20.
- 10- Maoz, I., & Ellis, D. G. (2001). Going to Ground: Argument in Israeli-Jewish and Palestinian Encounter groups. *Research on Language and Social Interaction*. 34(4). pp.399-419.
- 11- Preventing violent extremism through education - A guide for policy makes-(2017) – UNESCO.
- 12- Preventing violent extremism through education - A guide for policy makes - UNESCO 2017
- 13- The role of education in peacebuilding – united nation children s fund (2011)– NEW YORK – 10017.
- 14- The role of education in peacebuilding – united nation children s fund-(2011) – NEW YORK – 10017.
- 15- The role of education in peacebuilding – united nation children s fund- (2011)– NEW YORK.
- 16- Voparil, C. J. (2009). Jonquils and Wild Orchids: James and Rorty on Politics and Aesthetic Experience. *Journal of Speculative Philosophy*. 23(2)..